

بررسی نقش اقلیت‌ها در چه‌گونه‌گی بازسازی سیاست

جهانی در عصر پساملی

نگارنده‌گان: سلیمان ارجمند رشیدی

رضا رفیعی نژاد

چکیده

امروزه حضور اقلیت‌ها با سه ویژگی قومی، مذهبی و زبانی، با گسترش مفاهیم بنیادینی مانند حقوق بشر در جهان - از ره‌گذر انقلاب ارتباطات، فن‌آوری‌های نوین، جهانی‌شدن و تعدد نهادهای مدنی و سازمان‌های غیر دولتی - اهمیت به‌سزایی یافته است؛ چنان‌که این اقلیت‌ها در کنار سایر بازی‌گران سیاست ملی و بین‌الملل، نقش پُررنگی در ابعاد مختلف سیاسی و از جمله به چالش‌طلبی دولت‌های ملی داشته‌اند. پژوهش حاضر با اتکا به نظریه «اخلاق گفت‌مان؛ کنش ارتباطی» هابرماس - از نظریه‌پردازان مکتب فرانکفورت و جریان انتقادی - در جست‌وجوی پاسخ این پرسش بوده است که: اقلیت‌ها چه‌گونه می‌توانند سیاست جهانی را در عصر پساملی بازسازی کنند؟ تحلیل این پرسش بر اساس نظریه مزبور به این صورت است که نقش اقلیت‌ها در سیاست جهانی پس از حضور پُررنگ آن‌ها به‌عنوان بازی‌گران تأثیرگذار، به تبع رابطه متعادل بین فرآیندهای جهان‌زیست (فرهنگی - اجتماعی) و نظام (اقتصادی - سیاسی) مطرح شده است که با بازگرداندن این تعادل از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل، سیاست جهانی اصلاح خواهد شد. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به صورت کتاب‌خانه‌یی و روش تحلیل آن تفسیری است.

واژه‌گان کلیدی: اقلیت‌ها، سیاست جهانی، جهان‌زیست، سیستم و کنش

ارتباطی.

مقدمه

در جهان کنونی حضور اقلیت‌ها، که با سه ویژگی قومی، مذهبی و زبانی شناخته می‌شوند، با گسترش مفهوم‌های بنیادینی چون حقوق بشر در جهان، از ره‌گذر انقلاب ارتباطات، فن‌آوری‌های نوین، جهانی‌شدن و فروریختن بسیاری از دیوارها و بسط و گسترش نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی اهمیت به‌سزایی یافته است؛ اما یکی از موانع و معضله‌های مهم، خودکامه‌گی اکثریت است که به مثابه سدی نفوذناپذیر در برابر اقلیت‌ها و در سایه دولت‌ها مطرح است و به‌عنوان یک بحران مفهومی به اوج خود رسیده است؛ چنان‌که تاریخچه زنده‌گی اقلیت‌ها در جهان نشان می‌دهد آنان با خودآگاهی درباره موضوع «تفاوت نسبت به اکثریت»، دعوای سیاسی و اجتماعی خود را مطرح می‌کرده‌اند.

هابرماس با طرح نظریه «کنش ارتباطی»، سعی داشت تا نارسایی‌های مدرنیسم و تناقض‌های زنده‌گی مدرن را همانند از دست‌رفتن معنا و آزادی، شیوع جنگ‌ها، خون‌ریزی‌ها و پدیده‌هایی از این دست - که به‌نوعی نتیجه خردباوری عصر مدرنیته انگاشته می‌شود بازنمایی کند. او از کنش ارتباطی صحبت می‌کند که بر منطق مکالمه استوار است؛ مفهومی که برای درک نحوه کاربرد آن باید به دو مفهوم «سیستم» و «جهان‌زیست» مراجعه کرد.

وی معتقد است که «سیستم» گستره‌های وسیع جامعه امروزی است که از تجربه مشترک ارتباطی در زبان جدا می‌شود، از طریق واسطه‌های پول و قدرت هماهنگ شده و اوامر این گستره‌ها از طریق پول هدایت می‌شوند. قدرت هم بعد از پول به‌عنوان واسطه هدایت‌کننده، حوزه‌های زیست جهان را زیر سیطره می‌گیرد؛ به این ترتیب در زیست جهان اختلال ایجاد می‌شود. امروزه در جهان متأخر میان زیست و سیستم کشمکش وجود دارد و تنها از راه کنش ارتباطی آزاد از تحریف‌ها می‌توان سیستم را اصلاح کرد و جهان زیست را از استعمار نجات داد.

باتوجه به مطالب فوق، این پژوهش با اتکا به نظریه «اخلاق گفت‌مان؛ کنش ارتباطی» به‌عنوان یکی از نظریه‌های مکتب فرانکفورت و جریان انتقادی در جست‌وجوی پاسخ این پرسش است که اقلیت‌ها چه‌گونه می‌توانند سیاست جهانی را در عصر پسامدلی بازسازی کنند؟ شیوه جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش به‌صورت کتاب‌خانه‌یی و روش بررسی داده‌های موجود تفسیری است.

چهار چوب نظری، نظریه اخلاق گفتمان؛ کنش ارتباطی

اخلاق گفتمان نظریه‌یی است که در مقابل رگه‌یی از حاکمیت دولت که خاص‌گرایی و کنارگذاری را القا می‌کند قرار می‌گیرد. این نظریه که از «رضایت‌محوری» نظریه کنش ارتباطی هابرماس اخذ شده بر نیاز به سوژه‌هایی در حال ارتباط بنا شده است؛ به گونه‌یی که کنش‌ها و باورهای شان برای یک‌دیگر قابل فهم باشد و بتواند مورد قبول یا اعتراض واقع گردد، که اگر هنجارها و نهادها بخواهند مشروعیت‌شان حفظ شود باید مورد موشکافی، بحث و تدقیق قرار گیرند (دیوتاک و دردیان؛ ۱۳۸۹: ۹۸).

این نظریه که نظریه‌یی است زبان‌شناختی، نظام‌های اجتماعی در سطوح مختلف خرد و کلان و ابعاد گوناگون رابطه اجتماعی مطلوب را توضیح می‌دهد. در ذیل یکی از حوزه‌های مختلف زبان‌شناختی قرار دارد، که زبان را نه به عنوان سیستم معنایی، بل که در حالت کاربرد سخن (speech) در نظر می‌گیرد. در این معنا کنش ارتباطی نظریه خاص در علم بیان شمرده می‌شود. این علم مانند دانش فلسفه فراتر از زبان یک ملت خاص کاربرد دارد که در جست‌وجوی اصولی است در سطح عمومی و کلی حاکم بر کاربرد بیانی زبان (شفیعی؛ ۱۳۸۴: ۱۵۰).

هابرماس که نظریه کنش ارتباطی را در سال ۱۹۸۱م در کتابی به همین نام منتشر کرد، سعی داشت تا با تأکید بر نارسایی‌های مدرنیسم و تناقض‌های زنده‌گی مدرن همانندی از دست رفتن معنا و آزادی، شیوع جنگ‌ها، خون‌ریزی‌ها و پدیده‌هایی از این دست - که به تبع خردباوری عصر مدرنیته بروز کرده‌اند- به یاری منطق گفت‌وگو کلید رهایی را بازیابد. او از کنش ارتباطی صحبت می‌کند، که بر منطق مکالمه استوار است؛ مفهومی که برای درک نحوه کاربرد آن باید به دو مفهوم «سیستم» و «جهان‌زیست» مراجعه کرد (نظام بهرامی؛ ۱۳۸۱: ۸).

جهان‌زیست الگوهای تفسیری است که از طریق عناصر فرهنگی انتقال یافته، با منبع زبانی سازمان می‌یابد و زبان و فرهنگ از اجزا و عناصر مقوم و سازنده آن به‌شمار می‌روند. این حوزه همان حوزه فراملی است که وفاق و اجماع در کنش‌های ارتباطی مبتنی بر هنجارهای برگرفته شده از آن به دست می‌آید. جهان‌زیست عرصه استعلایی هرچند غیر میتافیزیکی است که در آن گوینده و شنونده هم‌دیگر را ملاقات می‌کنند و می‌توانند به گونه‌یی دوسویه استدلال‌هایی بر اعتبار پاره گفته‌ها با جهان (عینی، اجتماعی و ذهنی) اقامه کنند و نیز به انتقاد و نفی یا تصدیق ادعاهای هم‌دیگر بپردازند (مفیدی احمدی و کاظمی؛ ۱۳۹۵: ۱۶۴).

به نظر هابرماس، هم‌بستگی جوامع به وجود رابطه متعادل بین فرآیندهای جهان‌زیست (فرهنگی - اجتماعی) و نظام (اقتصادی - سیاسی) بسته‌گی دارد که در جوامع مدرن این تعادل به نفع نظام جابه‌جا شده‌است و باعث بروز بحران گشته‌است. راه حل این بحران بازگرداندن این تعادل و توجه به حوزه عمومی می‌باشد، که این حوزه از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل احیا می‌شود (مهدوی و مبارکی؛ ۱۳۸۵: ۲) و اگر ارتباط کلامی آرمانی در نظریه کنش ارتباطی تحقق یابد، آن‌گاه کنش ارتباطی در استعمارزدایی از زیست‌جهان مؤثر بوده و آن را عقلانی‌تر خواهد کرد (نوذری؛ ۱۳۸۶: ۳۸۲).

هابرماس معتقد است که «سیستم» گستره‌های وسیع جامعه امروزی است که از تجربه مشترک ارتباطی در زبان جدا می‌شده، از طریق واسطه‌های پول و قدرت هماهنگ می‌شود و اوامر این گستره‌ها نیز به وسیله پول هدایت می‌شوند. قدرت هم بعد از پول به عنوان واسطه هدایت‌کننده، حوزه‌های زیست‌جهان را زیر سیطره می‌گیرد؛ به این ترتیب در زیست‌جهان اختلال ایجاد می‌شود. امروزه در جهان متأخر میان زیست و سیستم کشمکش وجود دارد و تنها از طریق کنش ارتباطی آزاد از تحریف‌ها می‌توان سیستم را اصلاح کرد و جهان‌زیست را از استعمار نجات داد (هاو؛ ۱۳۸۷: ۶۳)؛ به این ترتیب هابرماس در اخلاق گفت‌مان معتقد است که سازمان سیاسی بشریت از طریق گفت‌وگو شکل می‌گیرد و مشارکت در آن برای همه کسانی که از آن تأثیر می‌پذیرند، باز و آزاد است. باید گفت که ادراک نظریه انتقادی بین‌المللی از رهایی به بازاندیشی و بازسازی امنیت و اجتماع در زنده‌گی سیاسی مدرن منجر می‌شود که دستیابی به سازمان عقلایی، عادلانه و دموکراتیک سیاست جهانی نمی‌تواند بدون بررسی فرایندها و شیوه‌هایی که اصول سیاسی، هنجارهای اجتماعی و نهادهایی که بر اساس آن‌ها شکل می‌گیرد، پیشرفت کند (عباس‌پور؛ ۱۳۹۰: ۴۶-۴۵)؛ لذا استدلال محوری نظریه انتقادی بین‌المللی این است که اخلاق گفت‌مان تنها فرایند ضروری برای رسیدن به رهایی است.

اقلیت‌ها در جهان‌زیست

امروزه حضور اقلیت‌ها که با سه ویژگی قومی، مذهبی و زبانی در روزگار ما شناخته می‌شود با گسترش مفاهیم بنیادینی چون حقوق بشر در جهان از ره‌گذر انقلاب ارتباطات، فن‌آوری‌های نوین، جهانی‌شدن، فروریختن بسیاری از دیوارها، بسط و تعدد نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی اهمیت یافته‌است؛ اما یکی از موانع و معضل‌های مهم، خودکامه‌گی اکثریت است که به مثابه سدی نفوذناپذیر در برابر اقلیت‌ها در سایه دولت‌ها مطرح‌است و به عنوان یک بحران مفهومی به اوج خود رسیده‌است؛ چنان‌که تاریخچه زنده‌گی اقلیت‌ها در

جهان نشان می‌دهد آنان با خودآگاهی درباره مفهوم تفاوت نسبت به اکثریت دعاوی سیاسی و اجتماعی خود را مطرح می‌کرده‌اند.

در این جا می‌بایست مفهوم «اقلیت‌ها» و «پساملی» مشخص شود. برخی از پژوهش‌گران، شناسایی و دانش اقلیت‌ها را «الیگولوژی» (oligology) نامیده‌اند. کلمه oligo دارای ریشه یونانی به معنای تعداد کم است. از نظر «کاپوتوریتی» اقلیت عبارت است از گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کم‌تر از جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن کشوراند ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و هم‌بستگی در جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند (محمود؛ ۱۳۹۶: ۶۷۵). از دیدگاه فلسفه سیاسی، اقلیت برحسب تعریف و طبیعت خود گروهی زیرسلطه است و اگر گروه مسلط و حاکم وجود نداشته باشد اقلیتی نیز در میان نخواهد بود (دستی و باطنی؛ ۱۳۸۹: ۱۸۴)؛ بنابراین اقلیت‌ها گروه‌هایی هستند که علایق مشترک مانند نژاد، زبان، فرهنگ و ایمان مذهبی آنان را به هم پیوند می‌دهد؛ به گونه‌یی که احساس تفاوت از اکثریت جمعیت یک کشور در آن‌ها وجود خواهد داشت (محمودی؛ ۱۳۸۸: ۲۸۲).

به همین ترتیب، ملت‌ها اجتماعات اخلاقی‌یی هستند که افراد آن تعهدات ویژه‌یی نسبت به دیگر اعضای آن دارند که معمولاً نسبت به دیگرانی که در خارج از آن قرار می‌گیرند، ندارند؛ اما برخی عوامل باعث شده است که اجتماعات شکل گرفته از دوران وستفالی تا به امروز دُچار اخلال شود. از جمله این عوامل می‌توان به فرسایش محیط زیست، فناوری‌های نوین، تحولات اکولوژیکی، جرایم سازمان یافته مانند قاچاق مواد مخدر و اسلحه اشاره نمود که دارای چنان دامنه و حدتی هستند که نمی‌توان از درون چارچوب‌های ملی به آن‌ها پرداخت؛ از همین رو، عوامل مزبور ظرفیت دولت‌های منفرد را در حفظ نظم داخلی از کار انداخته و مرزهای دولت-ملت را هرچه بیش‌تر خلل‌پذیر کرده‌اند (هابرماس؛ ۱۳۸۰: ۱۰۵-۹۳).

فرایند جهانی‌شدن نیز که در تمامی ابعاد مرزهای ملی را با تهدیداتی مواجه ساخته و سبب آزادشدن نیروهای پایین به بالا شده، دولت‌های ملی را با مشکلات عدیده‌یی مواجه ساخته است. هم‌چنین بیداری هویت‌های داخلی و تعارض آن با هویت‌های کلان‌تر ملی، فشار سیاسی را بر دولت‌ها افزایش داده‌است. امروزه حوادث و بحران‌های ناشی از خواست اقلیت‌ها و گروه‌های قومی چنان رواج یافته است که می‌توان پیش‌بینی کرد سده بیست و یکم سده رستاخیز اقلیت‌ها است (محمود؛ ۱۳۹۶: ۳۷۷)؛ بنابراین با مطرح‌شدن

چندجانبه گرایی فرهنگی در دوران جدید که به معنای حمایت از گروه‌های زیر ستم است، موضوع اقلیت‌ها نمود می‌یابد (گیدنز؛ ۱۳۸۶: ۱۴۸)؛ به این ترتیب از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، نارضایتی اقلیت‌ها از رفتار نابرابر با آن‌ها و عدم تحقق خواسته‌های‌شان دایر بر حفظ هویت خود، شرایط لازم را برای تحرک آن‌ها فراهم می‌آورد (جهانی؛ ۱۳۹۲: ۹۳). این امر موجب تبدیل اقلیت‌ها به نیروی گریز از مرکز می‌شود که در صورت عدم توجه کافی، امنیت ملی نیز به خطر می‌افتد؛ زیرا اقلیت‌ها خواهان به رسمیت شناختن مطالبات هویتی خود در ابعاد مختلف می‌باشند و با تأکید بر آن به عنوان وجه تمایز با بدنه اصلی جمعیت ضمن جدا دانستن سرنوشت خود از اجتماع ملی، طیفی از مطالبات شامل جدایی طلبی و خودمختاری و حتا استقلال کامل را دنبال می‌کند (جهانی؛ ۱۳۹۲: ۸۷)؛ از این رو، یکی از عناصری که از نظر هابرماس جهت شکل‌گیری کنش ارتباطی مطرح می‌شود، نقش عقاید مذهبی و یا قومی در ایجاد هم‌بستگی گروه‌های اجتماعی است که با تأکید بر مشارکت اقلیت‌ها در قدرت و پذیرش مشروعیت سیاسی نظام حاکم نمود می‌یابد (هابرماس؛ ۱۳۸۰: ۸۶)؛ از سوی دیگر، تقریباً تمامی دولت‌ها به میزان بیش‌تر یا کم‌تر نسبت به ترجیحات مذهبی، زبانی، قومی و فرهنگی متمایل هستند و این عدم بی‌طرفی اغلب تأثیرات منفی بر منافع اقلیت‌ها می‌گذارد؛ بنابراین آن‌چه اهمیت می‌یابد، میزان تأثیر سیاسی است که یک گروه اقلیت می‌تواند در ساختار سیاسی و اداره کشور داشته باشد (اسلامی و جیهانی؛ ۱۳۹۵: ۲۲۶)؛ بنابراین، ساختارهای موجود می‌توانند با مشارکت سیاسی که به معنای مردمی کردن سیاست است، یکی از پارامترهای اساسی شکل‌گیری جهان‌زیست را شکل دهند. مشارکت سیاسی نیازمند لوازم و مقدماتی است که باید فراهم شود تا در اثر مشارکت عمومی به توسعه سیاسی یک نظام بینجامد. از جمله این مقدمات و لوازم مشروعیت چارچوب‌های نهادی و قانونی است؛ بدین صورت که هم سیستم سیاسی و هم مجریان آن، یعنی حاکمان باید مشروعیت داشته باشند تا زمینه‌ی برای مشارکت مردمی فراهم سازند؛ در غیر این صورت مشارکت فراگیر صورت نمی‌گیرد؛ لذا با توجه به علل مشارکت سیاسی و علل روان‌شناختی مشارکت علت اصلی مشارکت در قدم اول قبول سیستم سیاسی - اجتماعی است (محمود؛ ۱۳۹۶: ۶۸۴).

در نهایت باتوجه به برخی عوامل، که باعث شده است ظرفیت دولت‌های منفرد را در حفظ نظم داخلی از کار بیندازد و مرزهای دولت - ملت را هرچه بیش‌تر به چالش بکشد، جهان پساملی در عرصه سیاست جهانی مطرح می‌شود که این امر موجب پرداختن هرچه بیش‌تر به موضوع اقلیت‌ها در سطح گسترده‌ی از جهان پسا و ستفالتا شده است.

نتیجه گیری

اخلاق گفت‌مان نظریه‌ی است که در مقابل رگه‌ی از حاکمیت دولت، که خاص‌گرایی و کنارگذاری را القا می‌کند قرار می‌گیرد. این نظریه که از رضایت‌محوری نظریه کنش ارتباطی هابرماس اخذ شده بر نیاز به سوژه‌های در حال ارتباط بنا شده است؛ به گونه‌ی که کنش‌ها و باورهای شان برای یک‌دیگر قابل فهم باشد و بتواند مورد قبول یا اعتراض واقع گردد. در این حالت، اگر هنجارها و نهادها بخواهند مشروعیت شان حفظ شود باید مورد موشکافی بحث و تدقیق قرار گیرند. در این میان، کنش ارتباطی که بر منطق مکالمه استوار است، مفهومی است که برای درک نحوه کاربرد آن باید به دو مفهوم «سیستم» و «جهان زیست» مراجعه شود.

جهان زیست الگوهای تفسیری است که از طریق عناصر فرهنگی انتقال یافته و با منبع زبانی سازمان یافته است. زبان و فرهنگ از اجزا و عناصر مقوم و سازنده جهان زیست به شمار می‌روند. جهان زیست همان حوزه فاعلمی است که وفاق و اجماع در کنش‌های ارتباطی مبتنی بر هنجارهای برگرفته شده از آن به دست می‌آید. در مقابل سیستم گستره‌های وسیع جامعه امروزی است که از تجربه مشترک ارتباطی در زبان جدا می‌شود و اکنون این گستره‌ها از طریق واسطه‌های پول و قدرت هماهنگ می‌شود و اوامر این گستره‌ها از طریق پول هدایت می‌شوند.

پرسش اصلی پژوهش این بود که: اقلیت‌ها چه گونه می‌توانند سیاست جهانی را در عصر پساملی بازسازی کنند؟ تحلیل این پرسش بر اساس نظریه مزبور به این صورت است که: نقش اقلیت‌ها در سیاست جهانی پس از حضور پُررنگ آن‌ها به عنوان بازی‌گران تأثیرگذار، به تبع رابطه متعادل بین فرآیندهای جهان زیست (فرهنگی - اجتماعی) و نظام (اقتصادی - سیاسی) مطرح شده است که با بازگرداندن این تعادل از طریق ایجاد کنش ارتباطی متقابل، سیاست جهانی اصلاح خواهد شد؛ به طوری که ساختارهای موجود می‌توانند با مشارکت سیاسی، که به معنای مردمی کردن سیاست است، یکی از پارامترهای اساسی شکل‌گیری جهان زیست را شکل دهند. مشارکت سیاسی نیازمند لوازم و مقدماتی است که باید فراهم شود تا در اثر مشارکت عمومی، به توسعه سیاسی یک نظام بینجامد. از جمله این مقدمات و لوازم مشروعیت چارچوب‌های نهادی و قانونی است؛ بدین صورت که هم سیستم سیاسی و هم مجریان آن می‌بایست مشروعیت داشته باشند تا زمینه‌ی برای مشارکت مردمی فراهم گردد، در غیر این صورت، مشارکت فراگیر صورت نمی‌گیرد؛ از این رو باتوجه

به علل مشارکت سیاسی و علل روان شناختی مشارکت، علت اصلی مشارکت در قدم اول قبول سیستم سیاسی - اجتماعی است.

سرچشمه‌ها

۱. اسلامی، رضا و محسنی جیهانی، فاطمه. (۱۳۹۵). «حمایت از حقوق اقلیت‌ها و

امنیت ملی». تهران: فصل نامه راهبرد. سال بیست و پنجم. شماره ۷۸. قابل دسترسی در:
<http://ensani.ir/fa/article/363445>

۲. جهانی، محمد. (۱۳۹۲). «چرایی و فرایند تبدیل شدن اقلیت گرای مذهبی به تهدید امنیتی». ایران: فصل نامه مطالعات راهبردی بسیج. سال شانزدهم. شماره ۵۸. قابل دسترسی در سایت:

<http://ensani.ir/file/download/article/20170315101233-9959-41.pdf>

۳. حسین علی، نودری. (۱۳۸۶). بازخوانی هابرماس. چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
۴. دشتی، تقی و باطنی، ابراهیم. (۱۳۸۹). «مفهوم شناسی اقلیت (ارائه الگوی روش مند برای تعریف و تشخیص اقلیت)». ایران: فصل نامه حقوق اسلامی. سال هفتم. شماره ۲۵. قابل دسترسی در سایت:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/969429>

۵. عباس پور، ابراهیم. (۱۳۹۰). «بررسی روش شناسی نظریه کنش ارتباطی هابرماس با رویکرد انتقادی». ایران: فصل نامه معرفت فرهنگی اجتماعی. سال دوم. شماره دوم.

۶. کمیل، نظام بهرامی. (۱۳۸۱). «گفت و گو در اندیشه یورگن هابرماس». ایران: فصل نامه مطالعات ملی. سال چهارم. شماره ۱۳. قابل دسترسی در سایت:

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/48066>

۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. چاپ دوم. تهران: نشر شیرازه.

۸. شفیع، محمود. (۱۳۸۴). «نظریه کنش ارتباطی (جهان زیست و سیستم) و نقد اجتماعی - سیاسی». ایران: فصل نامه دانش سیاسی. شماره دوم. قابل دسترسی در سایت:

<http://ensani.ir/fa/article/260678>

۹. محمود، واثق. (۱۳۹۶). «تأثیر اقلیت‌های فضایی بر قدرت ملی با تأکید بر اقلیت‌های قومی». ایران: فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی. دوره ۴۹. شماره ۳. قابل دسترس در سایت:

<http://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=306312>

۱۰. محمودی، سیدعلی. (۱۳۸۸). «خودکامه‌گی اکثریت و حقوق اقلیت‌ها در دموکراسی لیبرال». ایران: فصل‌نامه سیاست. مجله دانش کده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۳۹. شماره ۲. قابل دسترس در سایت:

https://jpq.ut.ac.ir/article_20172.html

۱۱. مفیدی احمدی، حسین و کاظمی، علی اصغر. (۱۳۹۵). «کنش بلاغی در نظریه روابط بین‌الملل». ایران: فصل‌نامه ره‌یافت سیاسی و بین‌المللی. سال هفتم. شماره ۴۵. قابل دسترس در سایت:

<http://piaj.sbu.ac.ir/article/view/18661>

۱۲. مهدوی، محمد صادق و مبارکی، محمد. (۱۳۸۵). «تحلیل نظریه کنش ارتباطی هابرماس». ایران: فصل‌نامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی. سال دوم. شماره هشتم. قابل دسترس در سایت:

<http://ensani.ir/file/download/article/20100523115814>

۱۳. هابرماس، یورگن. (۱۳۸۰). جهانی‌شدن و آینده دموکراسی؛ منظومه پساملی. چاپ چهارم. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر مرکز.

۱۴. هاو، آل. ای. (۱۳۸۷). یورگن هابرماس. چاپ اول. ترجمه جمال محمدی. تهران: نشر گام نو.